

# معماری مدرن متاخر

## دپارتمان مهندسی پوسته شرکت سکو ایران

چارلز جنکز این دوره را معماری مدرن متاخر نامید. این معماران جنبش معماری مدرن را دچار تغییر کردند. پنج معمار نیویورکی با هم جمع شدند و تصمیم به احیاء اندیشه‌های لوکوربوزیه گرفتند. در سال ۱۹۶۹ کنفرانسی در موزه هنر مدرن نیویورک برگزار شد تحت عنوان «کنفرانس معماران برای مطالعه از محیط».

در واقع بعد از استفاده بی‌رویه از سوخت فسیلی منابع محیطی دچار خطر شد. در حدود دهه ۶۰ بحران انرژی در جهان رخ داد که همه را مجبور به تجدیدنظر در نوع نگاهشان به استفاده از منابع محیطی ساخت؛ ساختمان‌های شیشه‌ای که در معماری مدرن ساخته می‌شد مصرف انرژی بسیاری داشتند.

گروه پنج معمار نیویورک متشکل شده از: جان هیدک، پیتر آیزمن، ریچارد مایر، مایکل گریوز و چارلز گوانمی، در سال ۱۹۷۲ با هم این گروه را تشکیل دادند.

از ویژگی‌های کارهای پنج معمار نیویورکی این بود که ایشان سعی داشتند عمق فضا را افزایش دهند و دید بیننده هنگام نظاره نما در درون حجم نفوذ کند. از دیگر ویژگی‌های آنها استفاده از استراکچر اکسپوز بود. آنها از ساختار سازه‌ای نمایان استفاده می‌کردند.

### مایکل گریوز

مایکل گریوز جزو معماران لیت مدرن محسوب می‌شود و از پایه‌گذاران معماری پست‌مدرن هم است از آثار او خانه هانزلمان است. او به پروژه ویلا ساوایی لوکوربوزیه گرایش دارد (تاکید بر فرم مکعب و رنگ سفید) که دارای ۳ طبقه است و حیاط در بام دارد. از دیگر آثار مایکل خانه «بناسراف»، بازسازی یک خانه قدیمی است: استراکچراکسپوز و نفوذ دید به عمق کار.

در دوره پست‌مدرن برخلاف دوره مدرن می‌توان به گذشته نگاه کرد. یکی از دیگر ویژگی‌های معماری پست‌مدرن، استفاده از رنگ‌های جیغ یا روستایی است. ساختمان شهرداری فینیکس در آمریکا از دیگر آثار مایکل گریوز است که دارای فرم ویژه‌ای است. در اینجا هندسه، نظم و تقارن وارد معماری شده است.

### ریچارد میر

ریچارد میر تا اکنون به ایده‌آل‌های معماری لوکوربوزیه پایبند است. بقیه این گروه از آن عقاید اولیه منصرف شدند یا تغییر دیدگاه دادند. او معماری حرفه‌ای با جزئیات بسیار دقیق بوده، البته چندان تأثیرگذار و جریان‌ساز نبوده است. او علاوه بر حجم مکعب به حجم منحنی علاقه‌مند بوده و اغلب در کنار حجم مکعب حجم با سطوح منحنی ایجاد می‌کند. ویژگی وبلاهای میر این است که اکثراً نشیمن خانه مرتفع است و در دو طبقه ساخته می‌شود. شومینه همیشه حضور دارد. خانه اسمیت از معروف‌ترین کارهای میر است. نشیمن با ارتفاع دوپل و فضاهای داخلی سفیدرنگ و در نهایت سادگی است.

### چارلز گوانمی

خیلی سریع مسیر خود را از این ۵ نفر جدا کرد و به سمت ساخت‌وساز روی آورد. خانه شخصی خود او در هنگام همکاری با این گروه با همان عقاید لوکوربوزیه ساخته شده است.

### جان هیدک

استاد مدرسه کوپر یونیون بود، ۱۰ سال تدریس کرد و حدوداً ۲۰ سال و تا پایان عمر (۲۰۰۱م) رئیس آن بود. او تأثیر زیادی روی دانشجویان معماری گذاشت از جمله دانیل لیبسکیند که از شاگردان او بود. شیگرو بان و بهرام شیردل از شاگردان او بودند. او بحثی مطرح کرد تحت عنوان معماری معماری یا همان علم معماری یا رشته معماری. او معتقد بود رشته چیزی است که ما از طریق تحقیق و پژوهش می‌توانیم آن را به دست آوریم و در نقطه مقابل حرفه معماری قرار می‌گیرد. حرفه کاری است که یاد می‌گیریم از طریق تکرار آن را ادامه می‌دهیم و به تحقیق دست نمی‌زنیم و این جدای از رشته معماری است. او بحث تئوری را در مدرسه کوپر یونیون بسیار جدی پی می‌گرفت.

در این پروژه او ۳ فرم را در نظر گرفت تا ببیند آیا فرم از عملکرد تبعیت می‌کند یا نه. او کیفیت فضاها را در فرم‌های مختلف را بررسی کرد. در خانه الماس ۱۹۶۷ پوسته پیرامون را ۴۵ درجه نسبت به شبکه ستون‌ها چرخاند و به بررسی کیفیت فضاهای آن پرداخت. اکثر پروژه‌های او در حد تحقیق و تئوری بود و ساخته نشده‌اند؛ مانند خانه‌ای برای یک شاعر. او بحثی در نقد معماری مدرن مطرح می‌کند مبنی بر این که باید به طراحی تخصصی فضاها دست زد. برخلاف عقاید معماران مدرن که معتقد به یک خانه شیشه‌ای و تکرار آن در جهان بودند، او معماری را می‌پسندید که به‌طور تخصصی به نیازهای مصرف‌کننده توجه کند. او خانه‌ای برای یک زن و شوهر طراحی کرده که از یکدیگر طلاق گرفته‌اند و به خاطر کودکان نمی‌خواستند جدا از هم زندگی کنند. لذا با حرفه‌هایی که فقط کودک آنها می‌تواند از آن حرفه‌ها عبور کند خانه‌ای خاص برای ایشان طراحی کرد. در عین با هم بودن جدا از هم زندگی می‌کردند.

او بحث دیگری تحت عنوان فراتر رفتن از نگاه غالب کارفرمایان را مطرح کرد. او معمار را اسیر نظرات کارفرما می‌دانست و می‌گفت معماران باید به خلق عملکردهای جدید توجه کنند. در این راستا او طراحی فضایی برای خودکشی را انجام داد و ساخت. ضمناً او به بررسی تأثیر معماران بر نهادهای دولتی و قدرت پرداخت. از آثار اجرا شده او یک مجتمع مسکونی در برلین است؛ دو فرم مکعبی در کنار و یک استوانه در وسط که دارای شیب تیز به سمت داخل است و آب باران را جمع‌آوری می‌کند و در محلی ذخیره می‌کند تا برای آبیاری مورد استفاده قرار گیرد.

تراس هاوس از دیگر آثار جان هیدک است که دارای تراسی است که قابلیت بسته شدن دارد.

خانه شماره ۱۰ از دیگر آثار جان هیدک است. در آن فضاهای سیرکولاسیون اصل فضای خانه را تشکیل می‌دهد. دارای راهروهای طولانی است. در این راهروها می‌توانستند از مناظر اطراف لذت ببرند. به نظرم بهرام شیردل از این پروژه برای طراحی سفارت ایران در برزیل الهام گرفته است.

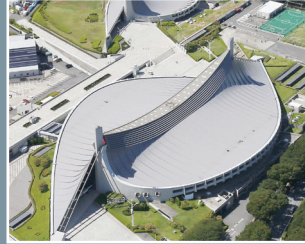
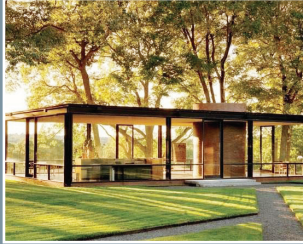
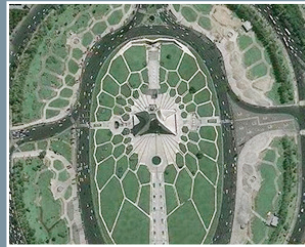
معروف‌ترین اثر جان هیدک Wall House یا خانه دیوار (سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۳) نام دارد. دیواری در وسط قرار داده و در یک طرف فضاهای اصلی خانه که به‌صورت فشرده و روی هم قرار دارند و در طرف دیگر فضای فرعی خانه و فضاهای خدماتی را قرار می‌دهد که به‌وسیله دیوار در دید بصری کاملاً از هم جدا می‌شوند. این پروژه در اواخر عمر جان هیدک ساخته شد و قبل از ساخت کامل جان هیدک مرد. در این پروژه گفته می‌شود که جان هیدک از شیشه بزرگ مارسل دوشان الهام گرفته (ساختار این شیشه دو بخشی است) تحلیلگران این دو قسمتی شدن کار هیدک را ملهم از شیشه بزرگ دوشان می‌دانند.

### پیتر آیزنمن

به نظرم پیتر آیزنمن مهم‌ترین معمار نیمه دوم قرن ۲۰ است؛ البته اگر لوکوربوزیه را مهم‌ترین معمار نیمه اول قرن ۲۰ بدانیم. اوایل سبک لیت مدرن داشت و کم‌کم به جنبش دیکانستراکشن روی آورد سپس به جنبش فولدینگ. بعد به معماری نواری Stration روی آورد و سپس معماری پرش کیهانی یا معماری که به تعبیر چارلز جنکز از علوم روز دنیا بهره می‌گیرد، نظر او را به خود جلب کرد و همچنان به کار ادامه می‌دهد.

او دکترای معماری دارد. یکی از مهم‌ترین کارهای او تأسیس موسسه پژوهشی IAUS در آمریکا است که موسسه‌ای است برای مطالعات معماری و شهرسازی. او همچنین مجله‌ای در آمریکا با نام اپوزیشن (مخالفت) چاپ کرد که ۱۵-۱۰ سال منتشر شد و معماران صاحب‌نظر در آن مقاله می‌دادند. رم کولپاس از طریق مجله و موسسه آیزنمن حمایت و مطرح شد.

آیزنمن خانه‌هایی طراحی کرد که با شماره نام‌گذاری شده بودند: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ... ۱۰ در تحلیلی می‌گویند او از شماره‌های سمفونی‌ها در موسیقی استفاده کرد. در پروژه‌های اولیه‌اش از حجم و فرم مکعب شروع می‌کرد. در یک فرآیند طراحی متحول می‌شد و شکل می‌گرفت. او اصالت را به فرآیند طراحی می‌دهد، نه به محصول نهایی. به همین دلیل وقتی شروع به



کار می‌کرد نمی‌دانست در پایان به چه چیزی می‌رسد.

خانه شماره ۱ بر اساس اندیشه‌های لوکوربوزیه ساخته شد. در خانه شماره ۲ او بحثی را مطرح می‌کند تحت عنوان BLURING یا تارشدن. «شفافیت ویژگی اصلی معماری مدرن» بود اما در معماری پست‌مدرن ویژگی اصلی ابهام یا تار شدن یا کدر شدن است؛ یعنی انسان به‌نوعی بعد از دو جنگ جهانی و بحران انرژی سرخورده شده، به همین دلیل شفافیت کم‌کم کدر می‌شود. او سعی کرد به‌نوعی کارهایش را مبهم کند. او در این خانه از ساختار مربع ۹ قسمتی را الهام گرفته است؛ این ساختار بسیار ارزشمند بوده و در معماری کلاسیک ساختار کوشک‌های ۸ بهشت بر اساس این مربع ۹ قسمتی بوده است. اولین شبکه را در یک طبقه می‌گیرد. در طبقه فوقانی این شبکه را می‌چرخاند و در واقع نوعی ابهام به وجود می‌آورد. در خانه شماره ۳ فرآیند طراحی به‌خوبی مشاهده می‌شود. ابتدا یک مکعب بعد به ۳ و سپس به ۹ تکه آن را تقسیم می‌کند. تعدادی دیوار در نظر می‌گیرد و از آن حجم اولیه به یک حجم جدید می‌رسد.

به دلیل استفاده از صفحات افقی در کارهای او منتقدین نام معماری مقوایی را بر آن نهادند؛ یعنی نوعی معماری سبک است؛ و او هم از این نام استقبال کرد. یکی از مهم‌ترین خانه‌های او خانه شماره ۶ است. او در این خانه چند نوآوری و ساختار شکنی ایجاد کرده است؛ مثلاً مفهوم پله را تغییر می‌دهد. یک پله سبزرنگ و یک پله به رنگ قرمز طراحی کرده، پله سبزه به طبقه اول می‌رود، اما پله قرمز مسدود است و به سقف برمی‌خورد. او عملکرد پله را تغییر می‌دهد. می‌تواند سکویی برای نشستن، محلی برای بازی بچه‌ها یا تندیس در فضای داخلی باشد، اما از عملکردش تهی شده است. در این پروژه شکافی در بدنه، سقف و کف ایجاد کرده تا در اتاق خواب اصلی نتوانند یک تخت دوفنره قرار دهند و دو تخت یک‌فنره قرار بدهند. او در همه پروژه‌هایش ساختارهای وضع موجود را می‌شکند. در معماری او معتقد بود فرم می‌تواند ضعیف باشد و نه همیشه قوی.

در مجموع، ویژگی‌های جنبش لیت مدرن عبارت‌اند از: سطح به‌صورت ناخودآگاه، واقع‌بین، هر فرمی که حاصل آید، اواخر نظام سرمایه‌داری، هنرمند تحت‌فشار، پرزرق‌وبرق، تکنیکی شیک و تکنیکی پیشرفته، سادگی پیچیده، ابهام‌آمیز، فرم تندیس‌گون، ساختمان به‌مانند تزئینات، ضد تمثیل و استعاره و...

دوره معماری مدرن متاخر را می‌توان بعد جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه هفتاد محسوب کرد. در این زمان بسیاری از معماران بزرگ دوران معماری اولیه و متعالی همچون رایت، کوربوزیه، گروپوس و میس زنده بودند. آنها کماکان فعال بوده و نقش بسزایی در شکل‌گیری معماری آوانگارد داشتند.

رایت در این دوره همچنان به‌عنوان معروف‌ترین مهم‌ترین معمار آمریکا شناخته می‌شد و پیروان بسیاری در اروپا و آمریکا داشت. او تنها معماری است که در هر سه دوره معماری مدرن ساختمان‌هایی با شهرت جهانی ساخته است.

معمار دیگری به نام رودولف با طراحی دانشکده معماری بیل در آمریکا بهترین نمونه از این سبک را نشان داد. در این ساختمان نمای بتن شیار داده شده بود تا زبری آن وضوح بیشتری داشته باشد. در این دوره شهر دیگری به نام برازیلیا به‌عنوان پایتخت جدید در کشور برزیل توسط لوچیو کوستا طراحی شد. معمار دیگر برزیلی اسکار بود که بسیاری از ساختمان‌های مدرن این شهر را طراحی کرد. این شهر نیز مانند عقاید کوربوزیه طراحی شد. شهر همانند یک هواپیما طراحی شده بود که در وسط آن بخش اداری و در بال‌ها محلات مسکونی قرار داشت. اگرچه در این شهر آسمان‌خراش صد هزار نفره وجود نداشت ولی ساختمان‌های مکعبی بافاصله‌های زیاد تبلوری واضح از ایده کوربوزیه بود.

در ایران شهرک اکباتان در تهران مثال بسیار خوبی از شهرسازی بر اساس عقاید کوربوزیه بود. میس وندهرو دیگر معمار صاحب‌نام مدرن تا پایان عمر بسیار فعال بود. او ساختمان‌های مکعب شکل خود را با استفاده از شیشه و فولاد طراحی می‌کرد و در کارهای او منحنی الخط وجود نداشت و همه طراحی‌ها با استفاده از خطوط عمودی و زوایای نود درجه طراحی می‌شد.

از معماران دیگر این دوره می‌توان به فیلیپ جانسون وای ام پی اشاره کرد. در آخر باید اشاره کرد که معماری مدرن نقطه عطفی در تاریخ معماری جهان بود زیرا برای اولین بار نگرش از سنت و گذشته به عنوان منبع الهام معماری تغییر جهت داد و پیشرفت به عنوان موضوع و هدف اصلی معماری مطرح شد.